

تخمین غزلیات حافظ

آیت اللہ علی کاظمی اردبیلی

پیش
اعظم کاظمی اردبیلی

بامقدمہ

حجت الاسلام والسلمین محمد علی خسروی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور:
 تخمیس غزلیات حافظ / اثر علی کاظمی اردبیلی؛ به کوشش اعظم کاظمی اردبیلی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.:
 شابک: 978-600-435-124-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، ۷۹۲ق. - تخمیس
 موضوع: Hafiz, Shamsodin Muhammad - Takhmis
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ق.
 موضوع: Persian poetry - 14th century
 شناسه افزوده: کاظمی اردبیلی، اعظم، ۱۳۶۱ - ، گردآورنده
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده بندی: PIR5۴۳۵
 رده بندی دیگری: ۸۱۶/۳۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۲۳۰۷



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۴۶۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۴۴۶۰۷۳۴

تخمیس غزلیات حافظ

اثر آیت الله علی کاظمی اردبیلی به کوشش اعظم کاظمی اردبیلی

صفحه آرا: زهره حلوانی طراح جلد: رضا گنجی

حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-435-124-9

شابک: ۹-۱۲۴-۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مقدمه

شرح عشق در تخمیس غزلیات حافظ

تجارت الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی

بسمه تعالی

با نام و یاد دل‌افروز جانان که با نامش کار بسیار است و آب مراد در جوی جوینده روان، و درود بسیار و تحیت بی‌شمار نثار خاص، از مرزبان حضرت وی. شعر از شگفتی‌های زبان، و حافظ از شگفتی‌های مردم به شعر است. به‌رغم پژوهش‌های گسترده و شروح متعدد، هنوز که هنوز است راز شیرین و اسرار دیوانش مکشوف نشده و گوینده آن همچنان «لسان‌الغیب» باقی مانده است. آنچه پیش روی شماست، مجموعه‌ای از غزلیات این شاعر پرآوازه و رازدان است که با هنرنمایی عالم جلیل و ادیب اریب، آیت‌الله حاج شیخ علی کاظمی اردبیلی تضمین و تخمیس شده است. گرچه این حقیر خود را در این جایگاه نمی‌داند که در باب شعر، این کلامی که هدیه عالم قدس است سخنی بگوید، ولی تقدیر چنین شد که مطالبی چند پیرامون این مجموعه به قلم ناقص این ناتوان گفته آید و برخی از زوایای شعر گرچه به تکرار، تذکار شود.

هویت‌سازی شعر

هویت هر ملتی را فرهنگ آن ملت شکل می‌دهد و یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ ادبیات است. بررسی تاریخ ملتها گویای این حقیقت است که شیوه نگرش‌های فرهنگی یک ملت که در ادبیاتشان منعکس است، نقش اساسی در اعتلا و عزت و ترقی آنها داشته؛ چنان‌که افول و سقوط ملتها هم بی‌ارتباط با نوع برداشت فرهنگی آنها از جهان هستی نیست. به گواهی تاریخ، نقش اصلی در فرهنگ‌سازی، از آن ادبیات و ادیبان است و تأثیر عمیقی که سخن‌سرایان بزرگ مانند سنایی، حافظ، مولوی، سعدی، فردوسی، نظامی، ناصرخسرو و دیگران در تکوین شخصیت افراد از لحاظ اندیشه، اخلاق و رفتار داشته‌اند غیرقابل تردید است. بینش این بزرگان که برگرفته از جهان‌بینی متعالی و هستی‌شناسی عرفانی است، در آثار ادبی و اشعارشان بازتاب یافته و نقش بی‌بدیل خود را در فضا‌سازی آرمانی و هویت جامعه انسانی به خوبی ایفا کرده است. مردم خوش‌ذوق و هنردوست ایرانی، در گفتگوهای روزانه و در بهره‌گیری از اشعار دل‌انگیز و حکمت‌آمیز، بسیاری از خصلت‌های عالی انسانی همچون گذشت، همدلی، مروت، فروتنی، شجاعت، جوانمردی و حق‌طلبی را از سلسله به سلسله دیگر منتقل نموده‌اند و ضمن لذت بردن از گفت و شنود اشعار و کلمات موزون، موبادات بیات و نهاده شدن این صفات متعالی را در دلها فراهم آورده‌اند. بی‌جهت نیست که حکیم نظامی درباره نقش شاعران می‌فرماید:

پرده‌رازی که سخن‌پروری‌ست	سرایان را پرده پیغمبری‌ست
پیش و پسی بست صف کبریا	پس شاعرانند و پیش، انبیا
این دو نظر محرم یک دوستند	این دو چو مغز، آن‌ها چون پوستند
هر رطبی کز سر این خوان بود	آن نه سخن، پاره‌ای از جان بود

از این رو اشعار این بزرگان را نباید تنها از بعد زیباشناختی، آن‌هم جنبه صوری و ظاهری آن نگریست، بلکه تأثیرگذاری اجتماعی و توسعه زیبایی‌های معنوی در حوزه مباحث اجتماعی و روابط انسانی و کاهش رذایل اخلاقی از مهمترین کارکردهای شعر اصیل است.

حافظ از لحاظ هویت‌سازی فرهنگی، در کنار سعدی بیشترین نقش را در هویت‌بخشی به افکار و رفتار جامعه ایرانی داشته است. نشانه آن فراوانی تیراژ کتاب

اوست. کمتر خانه‌ای را می‌توان یافت که در کنار قرآن کریم، نسخه‌ای از دیوان حافظ نباشد. و کمتر ایرانی پیدا می‌شود که حداقل یک بار دست تفلّال به دیوان او نزده و احوال خود را در آینه او رصد نکرده باشد.

زبان عشق

اگر اساس هویت یک ملت را فرهنگ، و اساس فرهنگ را ادبیات دانستیم، حال این سؤال مطرح است که رمز اثربخشی ادبیات چیست؟ چرا و چگونه ادبیات می‌تواند فرهنگ یک جامعه را متحول کند؟ پاسخ این سؤال در یک کلمه نهفته است و آن «عشق» است. عنصر عشق، اصلی‌ترین سازه در ساختمان شکوهمند شعر و ادبیات است. و چون خمیره ذات انسان با عشق مخمور و مفلطرح شده و هیچ دلی بدون عشق آفریده نشده است، اندیسمندان و ادیبان بشر عشق را محور اصلی تکامل انسان‌ها دانسته و با بهره‌گیری از این ظرفیت بی‌پایان، به کار هدایت و تعالی بشر پرداخته‌اند. عشق گوهر یکتا و اکسیر اعظم است که با رجوع به پلا مبدل می‌سازد. عشق، در اندیشه عارفان، هدف غایی خلقت و نتیجه نهایی آفرینش است و به تعبیر جناب حافظ:

عاشق شو ارنه روزی کار جهان سراسیمه
باخته انده نقش مقصود از کارگاه هستی

در مکتب انبیا نیز که هدف، تربیت انسان است، عشق و محبت نقش اصلی را در تربیت و تکامل ایفا می‌کند. پیامبران بزرگی چون حضرت ابراهیم مبنای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی خود را «حب» و عشق قرار داده و فرموده است: «لا احب الا فلین» غروب‌کنندگان و معشوق‌های ناپایدار را دوست ندارم. او به هدایت خود و نجات جامعه همچنان در سیر و جست‌وجوست تا به محبوب دائمی و عشق پایدار دست یابد. حضرت موسی در دلدادگی به مقام «صعق» نایل می‌آید و پس از تجلی حضرت دوست، ووست، از خود بی‌خود و مدهوش می‌گردد. حضرت عیسی و سایر پیامبران نیز سر بر آستان عشق نهاده و هر کدام به گونه‌ای از این راز هستی پرده برگرفته‌اند. و در نهایت، پیامبر اسلام (ص) آورنده کاملترین مکتب معرفتی و تربیتی، بنای رستگاری را بر همین اساس نهاده است. آیه کریمه «الذین آمنوا اشدّ حباً لله» حب شدید را که همان عشق است، شاخص و علامت ایمان شمرده است. مؤمنان در عشق‌ورزی سرآمد عاشقانند و تمام دلشان یکسره و درست در اختیار معشوق یگانه و محبوب بی‌همتا است. قرآن کریم که

نام دیگرش «ذکر» است، چیزی جز یادآوری الطاف و نعمت‌های بی‌پایان محبوب ازل و ابد نیست و هر آیه از آیات آن، نشانه‌ای از محبت و لطف او را بیان می‌کند تا افراد کمال‌جو دل‌داده‌تر و عاشق‌تر شوند.

و در ادامه این راه، عارفان صاحب‌دل و سالکان سوخته‌جان که ساعات خوشی را در کوی وصال به سر برده و لذت دیدار را چشیده‌اند، به شکرانه این نعمت، لب به توصیف جمال و جلال حضرت حق گشوده و با زبان رمز، پرده از مشاهدات خود در حریم حرم او برداشته‌اند تا دیگر مشتاقان را نیز به شهود طلعت دوست مباحی کنند و بر خیل شیفتگانش بیفزایند.

یکی از شهبازان این میدان، جناب حافظ است که به نیروی هنر، حجاب از جمال بانان برگرفته و بسی گمگشته وادی عشق را به سرمزل آن محبوب بی‌همتا رهنمون شده است. در اشعارش دنیایی سرشار از نور و سرور با محوریت عشق آفریده است. گفتنی است تنه درمی که توانایی و گنجایش چنین آفرینشی را دارد، زبان رمز در قالب سخن موزون شعر است. شعر زبان عشق است و بهترین وسیله برای بیان این حقیقت رموز می‌باشد. تعامل شعر و عشق تعاملی دوسویه است؛ زیرا شعر هم زاینده عشق است و هم زاینده آن. از یک سو تا عشق و سوز دل نباشد، شعر متولد نمی‌شود.

کی شعر ترا انگیزد خاطر که حزین باشد؟
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
و از سوی دیگر وقتی شعر زاده شد، از او شعرا زاده می‌شود و قبسی است که صدها چراغ از آن افروخته می‌گردد.

روشن چراغ سینه شد از آتشی که آن
بهر هزار شمع دگ شعله‌ساز بود
شعر حافظ و امثال آن طی قرون گذشته، هزاران شمع زده و امید در دلها برافروخته و به دنیای ظلمانی و تیره انسان‌ها روشنی بخشیده‌اند. دیوان حافظ زبان عشق است و به فرموده خود او:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوآر بماند
امروزه بهترین یادگاری هر ایرانی به دوستانش، هدیه دیوان حافظ است که در بند ابیات آن صدای عشق طنین‌انداز است و سمفونی کلماتش با تپش قلبهای عاشقان هماهنگ و همنواست.